رویاهایی که می‌آیند

ساسان گلفر
cinemaglobe.blogfa.com

سفر جادویی

■ علاوه بر آثار سینمایی که معرفی اجمالی آنها را در این ستون می‌بینید -تازه‌ترین فیلم‌های الیور استون و راب‌راینر، دو درام جاده‌ای از چین و استرالیا و یک فیلم ترسناک- و فیلم‌هایی که دو روز پیش همین‌جا معرفی شدند، این هفته همچنین کمدی ترسناک «خون‌آشام‌ها» محصول کشور بلژیک و مستند موزیکال «کیتی پری: بخشی از من» نیز اکران گرفته‌اند.

وحشی‌ها

Savages

اقتباس الیور استون («جوخه»، «متولد چهارم ژوییه»، «نیکسون») از رمان پرفروش سال ۲۰۱۰ دن وینسلو به همین نام، به دو توزیع‌کننده مواد مخدر در کالیفرنیا می‌پردازد که وقتی دوست آنها ربوده می‌شود با کارتل مکزیکی مواد مخدر و پلیس‌های فاسد در می‌افتند. تیلور کیچ، بلیک لایولی، آرون جانسن، جان تراولتا، اوما تورمن، بنیتسیو دل تورو، سلما هایک، امیل هرش و دمیان بیشیر از جمله بازیگران این درام دلهره‌آور جنایی هستند.

آخرین سواری

Last Ride

این فیلم محصول ۲۰۰۹ استرالیا، سه سال بعد از اکران در کشور تولیدکننده و حضور در جشنواره‌های جهانی بالاخره در خارج از آن کشور به اکران رسید. هوگو ویوینگ («ماتریکس»، «وی به نشانه انتقام») پدر به آخر خط رسیده‌ای است که بعد از ارتکاب جنایتی، پسر ۱۰ ساله‌اش (تام راسل) را به سفری دور و دراز در دل بیابان می‌برد. فیلمنامه را مک گاجون نوشته و گلندین ایوین فیلم را کارگردانی کرده است. زمان نمایش فیلم ۹۰ دقیقه است.

جادوی بل آیل

The Magic of Belle Isle

مورگان فریمن در این فیلم نقش رمان‌نویسی را دارد که برای استراحت به شهری کوچک و دورافتاده می‌رود و در آنجا با خانواده‌ای آشنا می‌شود که بار دیگر او را به نوشتن ترغیب می‌کنند. راب راینر («میزری»، «چند مرد خوب») این فیلم را کارگردانی کرده و گای‌تامس فیلمنامه‌اش را نوشته است. ویرجینیا مدسن، مدلین کارول و اما فوهرمن از دیگر بازیگران این کمدی/درام خانوادگی ۱۰۹ دقیقه‌ای هستند.

پیمان

The Pact

فیلم ترسناک «پیمان» به داستان دو خواهر می‌پردازد که بعد از درگذشت مادرشان به خانه دوران کودکی باز می‌گردند و در اولین شب اقامت در آن خانه به حضور نیروهایی مرموز پی می‌برند که از رازهای هراس‌آوری در زندگی مادرشان پرده برمی‌دارد. این فیلم را نیکلاس مک کارتی نوشته و کارگردانی کرده است. کیتی لوتز، کاسپروان دین و آنیس بروکنر از جمله بازیگران این فیلم ۸۹ دقیقه‌ای هستند.

شب پرستاره پرستاره

Starry Starry Night (Xing kong)

سفر پرخطر دو جوان عاشق به کوه و بیابان به امید رسیدن به خانه پدربزرگ و مادربزرگ یکی از آنها، به مقصدی غیرمنتظره و بسیار متفاوت منتهی می‌شود. این درام محصول مشترک سال ۲۰۱۱ چین، تایوان و هنگ‌کنگ را تام شو یولین نوشته و کارگردانی کرده است و جوزی شو، رنه لیو، هارلم یو و گوی‌لون‌می از بازیگرانش هستند. زمان نمایش این فیلم ۹۹ دقیقه است.

«الیور استون»، کارگردان «وحشی‌ها»:

«اوباما» توانایی مقابله با مشکلات را ندارد

مایکل هوگان / ترجمه: رهام سجادی

الیور استون، تیلور کیچ و جان تراولتا سر صحنه «وحشی‌ها»

«وحشی‌ها»ی «دن وینسلو» یک رمان پر از خشونت در مورد دو جوان دلال مواد مخدر درساحل لاگونا و دوست مشترک‌شان است که وقتی کارتل‌های مواد مخدر مکزیک تجارت آنها را هدف قرار می‌دهند، در منجلابی از مشکلات می‌افتند. البته این رمان آنقدرها هم ادبی نیست ولی سوالات آزاردهنده زیادی را در مورد جنگ با مواد مخدر و اثرات مخربش بر هر چیزی که ما دوست داریم، مطرح می‌کند. وقتی الیور استون، نفر اول فیلمسازهای تندرو آمریکا، اعلام کرد که قصد دارد از روی رمان فیلمی برای کمپانی یونیورسال پیکچرز بسازد، کاملا روشن بود که یکی از این دو اتفاق می‌افتد: یا به داستان می‌پردازد یا فیلم را سیاسی می‌کند. خوشبختانه او گزینه اول را انتخاب کرد. تایلور کیچ، آرون جانسون و بلیک لایولی قهرمانانی هستند که در ساحل می‌گردند و به تن خود کرم ضدآفتاب می‌زنند و وقتی اتفاقاتی ورای حد تسلط‌شان پیش می‌آید، به ناچار ارزش‌های شخصی خود را تغییر داده و با آنها مواجه می‌شوند. در عین حال سلما هایک، بنیتسیو دل تورو و جان تراولتا در رقابتی تنگاتنگ برای مشخص کردن بی‌رحم‌ترین نقش منفی در هر دو طرف مرز آمریکا صحنه‌ها را به خاک و خون می‌کشند. ولی خیال‌تان راحت باشد: سیاست هنوز در پس‌زمینه فیلم هست و اتفاقات را در هر لحظه به پیش می‌راند. اگر مواد مخدر غیرقانونی نبود، به این اندازه خطرناک نمی‌شد. اگر این همه خطر نبود، این همه پول و خشونت هم در کار نبود. اگر این همه پول و خشونت هم نبود، این فیلم هم نبود. الیور استون در مورد این کنش‌ها و واکنش‌ها از هر فیلمساز آمریکایی بیشتر آگاه است. هر چه باشد او در ۳۶سالگی‌اش فیلمنامه «صورت زخمی» را نوشته است. او همچنین یک مستند جنجالی در سال ۲۰۰۹ در مورد «هوگو چاوز» و بقیه رهبران آمریکای جنوبی که در تجارت، سیاست مالی، مبارزه علیه مواد مخدر و سایر قضایا علیه آمریکا مقاومت کرده‌اند، ساخته است. استون در این گفت‌وگوی تلفنی با «هافینگتون پست» در مورد فیلمش و اتفاقاتی که در به وجود آوردن آن نقش داشته‌اند، صحبت کرده است.

◄ اولین واکنش‌تان پس از خواندن کتاب چه بود؟

مرا خیلی تحت تاثیر قرار داد. دن وینسلو به خوبی از پس خلق دنیایی جدید در رمانش برآمده است. دنیایی امروزی بود، زیرا به باندهای قاچاق مکزیکی می‌پرداخت که به دلالان مستقلی که در کالیفرنیا به صورت قانونی مواد مخدر تولید کرده، تعدی می‌کنند. من در هیچ کتابی این دنیا را ندیده‌ام. فکر می‌کنم افراد جوان نماینده نسل جدید و نوع جدیدی از تفکر هستند و بعد البته آنها در برابر کسانی که منافع تجاری در این کار داشتند قرار می‌گیرند. اگر قوانین مربوط به مواد مخدر این‌طور نبود، آن منافع هم در کار نبود.

◄ کتاب بیشتر اعتراضی به جنگ با مواد مخدر بود ولی شما در فیلم کمی محتاطانه با مساله برخورد کردید. آیا این کار عمدی بود؟

در یک کتاب، حتی اگر به شیوه پست‌مدرن نوشته شده باشد، شما می‌توانید به فلسفه بپردازید، در مورد اقتصاد نظر بدهید و به جنگ با مواد مخدر اعتراض کنید. در فیلم، شما شش شخصیت دارید و دو ساعت بیشتر زمان ندارید. خط داستان مشخص و فشرده است. در حقیقت آنقدر فشرده که مجبور به حذف شخصیت‌هایی مانند مادر از کتاب شدیم. او شخصیت خوبی بود و «اوما تورمن» خوب بازی‌اش کرد. صحنه‌ها خوب بودند ولی زمان نداشتیم. ما در فیلم یک هدف داریم، ما از خط شروع عبور می‌کنیم و مثل یک مسابقه اسب‌دوانی به سرعت می‌تازیم.

◄ چه کسی به اوما تورمن زنگ زد و گفت دیگر در فیلم نیست؟

او خیلی راحت متوجه شد، چون مادر در روند فیلم واقعا نقشی نداشت. ما شخصیت اسپین را که «امیل هیرش» نقش او را بازی می‌کرد، هم حذف کردیم. چندین شخصیت حذف شدند. دن وینسلو خودش در این تصمیم‌گیری‌ها شرکت کرد. درست است که در طول کار اختلاف نظر وجود داشت ولی او جزو تیم بود و فکر می‌کنم متوجه محدودیت‌های فیلمنامه‌نویسی و تاثیرش شد.

◄ پس فیلم و کتاب کاملا با هم فرق دارند.

درست است، متفاوت هستند. البته این بحث ادامه دارد ولی من معتقدم که مقایسه فیلم و کتاب با هم بی‌فایده است. چون ذهن حین خواندن کتاب و دیدن فیلم عملکرد متفاوتی دارد.

◄ فکر می‌کنید تبهکاران واقعی در جنگ با مواد مخدر چه کسانی هستند؟

من فکر می‌کنم از اولش هم اشتباه بود که شروعش کردیم و نباید به آن یک جنگ می‌گفتیم. من به یاد می‌آورم که «نیکسون» در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش در سال ۱۹۷۱ جنگ را شروع کرد و اعلان جنگ دادن اشتباه بزرگی بود. این عبارت وضعیت را بدتر کرد. اولش یک عملیات صدمیلیون دلاری کوچک بود. ولی حالا نیروی مبارزه با مواد مخدر بودجه‌ای حدود ۲۵ تا ۳۰میلیارد دلار دارد و زندان‌ها هم مملو از قربانیان به دام‌افتاده است. این جنگ بی‌شباهت به جنگ آمریکا در عراق، ویتنام و افغانستان نیست. مخصوصا در مکزیک که اوضاع با فرستادن شبه‌نظامیان‌مان برای مبارزه با مواد مخدر وخیم‌تر شده است. الان یک مساله مهاجرتی و امنیتی است، و به تروریسم هم در حال نزدیک شدن است. ما این فرانکشتاین را درست کردیم، همان‌طور که همیشه از روی ترس‌مان این کار را می‌کنیم و حال این مشکل تبدیل به غولی بی‌شاخ و دم شده است. بیایید رنجی را که بر دوش جمعیتی از ما زندانی شده برداریم. طبق آمار ما بیشترین جمعیت زندانی در دنیا را داریم که از روسیه و چین هم بزرگ‌تر است و این برای من تکان‌دهنده است که شما مردم را برای داشتن ماری‌جوآنا به زندان می‌فرستید، و از آنها خلافکاران واقعی می‌سازید. بعد آنها را از زندگی در جامعه معمولی منع و زندگی آنها را خراب می‌کنید. بیشتر این افراد سیاهپوست هستند که خود مساله دیگری است.

◄ در فیلم «جان تراولتا» که نقش یک مامور فاسد مبارزه با مواد مخدر را دارد به دلالان می‌گوید که مواد در چند سال بعد قانونی می‌شود. فکر می‌کنید که آمریکا ماری‌جوآنا را قانونی می‌کند؟

خب کالیفرنیا این کار را انجام داده ولی جو پرتنشی در نظام فدرال هست. باراک اوباما گفت به این مساله عارض نمی‌شود و بعد عارض شد. او نظرش را تغییر داد و ما در این گم‌گشتی هستیم که ماری‌جوآنا را، که برای بیماران ارزش پزشکی دارد، در کجا به صورت قانونی بکاریم. ولی این مساله دوباره سیاسی شده است. من مطمئن هستم که «رامنی» راه‌های دیگری را انتخاب می‌کند. پس این مهم است که جان تراولتا درباره‌اش چه می‌گوید؟ آن‌طور که او می‌گوید، وضعیت سیال و متغیر است. مثل این است که ما بهترین نوع ماری‌جوآنا را می‌کاریم ـ ما کارمان درست است ـ و این کار را در طول زمان از طریق آزمون و خطا یاد گرفته‌ایم. ما بهترین نوع محصول را درآورده‌ایم. درود بر کامپیوتر! درود بر شرکت اپل! درود بر کالیفرنیا! پس چه قانونی باشد و قانونی توزیع شود و چه قانونی نباشد، برای مردم پول می‌آورد، زیرا بهترین نوع است. اگر قانونی نباشد پول بیشتری درمی‌آورد. اگر قانونی دارای مالیات باشد، پول کمتری دارد. ولی بیشترین پول در خارج از کشور مبادله می‌شود. آنها بی‌هیچ شک و شبهه‌ای از دسترس قانون به دور هستند. آنها خارج از قانون هستند.

◄ آیا آرزو دارید که اوباما بیشتر شبیه «هوگو چاوز» و بقیه رهبران آمریکای جنوبی که در فیلم مستندتان «در جنوب مرز» به تصویر کشیدید، باشد؟

البته. او از نیازهای مردم جهان سوم و اتفاقات آمریکای جنوبی آنقدر بی‌اطلاع است که برای من حیرت‌آور است. منظورم این است که در اول علامات خوبی نشان داد، و بعد در لحظه‌ای که در سال ۲۰۰۹ کودتای هوندوراس اتفاق افتاد، آمریکا هیچ شجاعتی برای مقابله با آن زورگویان نشان نداد. آنها اجازه دادند که آن رییس‌جمهور تازه به کار خودش ادامه دهد و هوندوراس تبدیل به جهنم شد. آن کشور حالا مثل السالوادور، یک شریک جرم در جنگ با مواد مخدر است. ما اصلاح‌طلبان را در السالوادور و نیکاراگوئه به دور نگه داشتیم، ما نظام‌های اصلاح‌طلب در آمریکای جنوبی را تخریب کرده یا با همکاری با طبقه مرفه و یاران راستی‌شان برای بردن از طریق کودتا و فشار اقتصادی و امثال آن به تخریب‌شان کمک کردیم.

◄ فکر می‌کنی این کم‌کاری از طرف اوست؟ واضح است که او علاقه‌ای به تعقیب قانونی کشت‌کاران ماری‌جوآنا ندارد؟

نه، شما می‌توانید اوباما را سرزنش کنید ولی او کارهای هوشمندانه‌ای انجام داده است. کار آخرش در مورد مهاجرت را تحسین می‌کنم. او هوشش را دارد، ولی مایل به روبه‌رو شدن با مشکلات واقعی نیست. من فکر می‌کنم که مشاوران بدی دارد. گذاشتن «هیلاری کلینتون» در وزارت خارجه کمکی نمی‌کند. وقتی شما «رابرت گیتس» در وزارت دفاع و «جیمز استینبرگ» در وزارت کشور را ابقا می‌کنید در واقع نظام قبلی را ادامه می‌دهید. آنها مخالف هرگونه نظام و حرکت اصلاح‌طلب در آمریکای جنوبی هستند.

◄ به فیلم برگردیم. سلما هایک بازی خوبی را ارایه می‌دهد. کار کردن با فیلمنامه‌ای که نقش منفی زن قدرتمندی دارد چگونه بود؟

خب، او فقط یک نقش منفی نیست، قلب خوبی هم دارد. همان‌طور که می‌دانید نقطه ضعف هم دارد. ولی سلما در تغییرات فیلمنامه شرکت داشت و در مورد نقشش خیلی کمک کرد. او مثل بلیک چالش‌برانگیز بود. این دو زن در فیلم خیلی قوی بودند. آنها هر دو در اصلاح و بازنویسی فیلمنامه نقش داشتند.

◄ با وجود دلالان مواد مخدر به عنوان قهرمانانی که قرار است با تماشاگر ارتباط برقرار کنند، واقعا دارید به خط قرمز نزدیک می‌شوید.

برای همین است که فکر می‌کنم بلیک ما را به آن سفر جالب می‌برد. اگر او «دختری با خالکوبی اژدها» بود، من چنین احساسی نداشتم.

منبع: هافینگتون پست

نگاهی به فیلم «وحشی‌ها»

چکامه نکبت

جاستین چانگ

الیور استون، فیلمساز قدیمی که شهرت خوبی هم ندارد و با «وحشی‌ها» بار دیگر به میدان آمده است، این بار به خوبی مورد استقبال قرار خواهد گرفت. این اثر پرانرژی (و خشن) که بعد از مدتی وقفه توسط کارگردان-فیلمنامه‌نویس ساخته شده تند، نیشدار، پر و پیمان و دربردارنده انواع گوناگون خلافکاران است. داستان درباره دو جوان کشت‌کار ماری‌جوآنا، شاهزاده محبوب اهل اورنج کانتی و باند خلافکاران مکزیکی، به چکامه‌ای درباره زندگی نکبت‌بار بدل می‌شود. یک «ژول و ژیم» را همراه با انفجار و خونریزی تصور کنید تا نیمی از آنچه هست، به دست‌تان بیاید. حتی با آنکه فیلم دارای درجه R محصول شرکت یونیورسال پیکچرز از گزندگی رمان آتشین دن وینسلو می‌کاهد، باز هم پر از تنش است. «وحشی‌ها» احتمالا مدت کوتاهی در بالای جدول فروش اکران عمومی آمریکا می‌ماند ولی برای مدتی طولانی‌تر در جایگاه‌های حاشیه‌ای این جدول باقی خواهد ماند.

رمان جنجالی سال ۲۰۱۰ دن وینسلو، یک داستان طنز پر از کنایه از مواد مخدر، قتل و هرگونه فساد، انگار برای استون نوشته شده بود؛ طوری که بعد از نشر به سرعت به دست او رسید تا آن را بسازد. پس از آنکه این کارگردان یک رشته فیلم‌های سیاسی و به دور از خشونت ساخت که از طبیعت او به دور بودند («مرکز تجارت جهانی»، «دبلیو.»، «وال استریت: پول هرگز نمی‌خوابد») «وحشی‌ها» بی‌کم و کاست همان چیزی بود که او می‌خواست؛ انفجاری خشن از انرژی سینمایی که به واسطه شرارت جان تازه‌ای می‌گیرد و به دلیل آنکه خودش را چندان جدی نمی‌گیرد، سرزنده است.

فیلم پر از زیبارویان و خلافکاران بی‌رحم است و از صحنه‌های دارای طنز تلخ و پرتنش پر شده است. چنین معجون پر از خون و کثیفی به مذاق همه خوش نمی‌آید. همین مساله در مورد حشیش درجه یک واردشده از افغانستان که توسط بن (آرون جانسون) و شریک دمدمی‌مزاجش، چن (تایلور کیچ) توزیع می‌شود، صدق می‌کند. بن یک آدم صلح‌طلب و دوستدار طبیعت است، و چن یک سرباز سابق نیروی دریایی است که وقتی طرف مقابلش کثیف بازی می‌کند، از مقابله به مثل نمی‌هراسد.

این ولگردان سواحل لاگونا نه تنها در یک تجارت موفق شریک هستند بلکه یک دوست مشترک، افیلیا مشهور به O نیز دارند. افیلیا (بلیک لایولی) فقط به خرید کردن، حشیش کشیدن و خوشحال نگه داشتن دوستانش علاقه دارد. چند دیالوگ او تماشاگر را در بهت می‌گذارد. با این حال فیلمنامه تقریبا دشوار (نوشته‌شده توسط سالرانو، استون و وینسلو) خود را ملزم می‌کند که این شخصیت‌ها کمی جدی گرفته شوند و از هجو و شوخی سوزاننده‌ای که رمان را تبدیل به یک نابودگر فرهنگ مرفه اورنج‌کانتی تبدیل کرد، بکاهند.

وقتی بن و چن پیشنهاد نماینده گانگسترهای محله باجای کالیفرنیا را برای فروش مواد مخدر قوی رد می‌کنند، فیلمبرداری رویاگونه دن میندل از ساحل در صحنه‌های اول به سرعت رنگ می‌بازد. خیلی زود افیلیا ربوده و به مکزیک برده و در اردوگاهی نظامی زندانی می‌شود که ملکه النا (سلما هایک)، رییس خلافکاران، و معاون بی‌رحمش لادو (بنیتسیو دل تورو) آن را اداره می‌کنند. این سیرک انسانی توسط همکار خوش‌پوش لادو (دمیان بیشیر) و یک مامور مبارزه با مواد مخدر فاسد (جان تراولتا، که با افتخار مدل موی جدیدش را نشان می‌دهد) تکمیل می‌شود که هردو نفر در هماهنگی با منطق اخلاقی واژگونه فیلم، بیش از حد تصور قابل همدردی نشان داده شده‌اند. داستان در مواردی به شیفتگی افرادی از فرهنگ‌های مختلف نسبت به یکدیگر اشاره دارد -گرچه بیشتر آن نامعقول به نظر می‌رسد- و این هنگامی است که دو جوان خودشیفته، پوچ‌گرا ولی بسیار باهوش به مکزیک می‌روند. بقیه داستان با تیراندازی‌ها، ضربه‌های چاقو و چند انفجار به موقع پیش می‌رود، انگار این مسابقه‌ای است برای دو طرف تا نشان بدهند کدام یک از آنها بیشتر برازنده عنوان فیلم است. با وجود خشونت لحظه به لحظه، فیلم از منبع اصلی‌اش (رمان) لطیف‌تر است، زیرا روایت فیلسوفانه و نرم افیلیا و پایان پلیسی معماگونه‌اش زهر فیلم را گرفته است. «وحشی‌ها» اگرچه موفق نشده است به شدت رمان ماخذ آن هجوآمیز باشد اما لذت‌های دیگری به تماشاگر می‌دهد؛ از وابستگی‌های درونی، حس خطر بیش از حد و نقش‌آفرینی‌های گروهی که صرف نظر از احساس‌مان نسبت به شخصیت‌ها، حس همدلی تماشاگرها را برمی‌انگیزد. به این علت که در نگارش فیلمنامه طوری به شخصیت‌های بن، چن و افیلیا پرداخته شده که گویی از مرحله پرت هستند؛ نشانه‌هایی از هوش و ذکاوت که گاه به گاه نشان می‌دهند مثل کشف و شهود به نظر می‌رسند. باید اذعان کرد که کیچ کار زیادی جز بازی نقش یک آدم آماده به کشتن را ندارد و لایولی قبل از اینکه در صحنه‌های نهایی وارد مبارزه شود، نقش یک زن ضعیف که باید بقیه نجاتش بدهند را بازی می‌کند. فقط جانسون باقی می‌ماند که باید بار دراماتیک صحنه را به دوش بکشد و اتفاقات ناامیدکننده، بن را از یک صلح‌طلب پخمه به یک مرد مصمم آماده به کار تبدیل می‌کند. کسی که فیلم را بیشتر از همه در جنب و جوش نگه می‌دارد، شخصیت نفرت‌انگیز لادو با بازی دل تورو است که حتی وقتی در حال شلیک به زانوهای افراد نیست، باز هم به شدت مرعوب‌کننده است. هایک که با گذاشتن یک کلاه‌گیس به کلئوپاترا شبیه شده، پس از مدت‌ها بالاخره در یک نقش جاندار بازی کرده است. او نقش یک رییس مقتدر ولی آسیب‌پذیر را بازی می‌کند که خیلی‌ها را قربانی کرده است تا در قلمرو خود اقتدارش را حفظ کند.

برخلاف تصور یا انتظار، فیلم از نظر سبک آنقدر بی در و پیکر نیست. هر چند پالت رنگی تند و تیز فیلم بعضی وقت‌ها به تکرنگ فید می‌شود تا تلاش کند نوعی حس شاعرانه را انتقال دهد. میندل با فیلمبرداری وایداسکرین با لنزهای آنامورفیک ۳۵ میلی‌متری موفق شده است تا تصویری داغ و پرتب و تاب را که مناسب لوکیشن‌ها (مالیبو، لس‌آنجلس و اورنج کانتی) است، خلق کند و طراحی صحنه توماس واث نیز تضاد زندگی طبقه مرفه در یک سوی مرز و طبقه فقیر طرف جنوبی آن را به تصویر کشیده است.

منبع: ورایتی

تازه چه خبر دکترجون؟

پرده‌برداری از فیلم کوتاه

■ شرکت مارول که در بخش سینمایی بیش از همه برای تولید فیلم‌های پر خرج و پرسود ابرقهرمانی شهرت دارد، اخیرا تصمیم گرفته است تا فعالیت خود را به حوزه تولید فیلم کوتاه نیز گسترش دهد. هفته گذشته انترتینمنت ویکلی از تولید یک فیلم کوتاه «سرّی» این شرکت به نام «آیتم ۴۷» پرده برداشت که گویا قرار است همراه با نسخه بلو رِی «انتقامجویان» در اواخر ماه سپتامبر (اوایل مهرماه) منتشر شود. بنا بر این گزارش، فیلم کوتاه «آیتم ۴۷» به دو نیویورکی می‌پردازد که اسلحه یکی از بیگانه‌های تحت فرمان شخصیت لوکی (فیلم‌های «ثور» و «انتقامجویان») را به دست می‌آورند و تبدیل به راهزنانی به سبک و سیاق بانی و کلاید در دوران معاصر می‌شوند. لیزی کاپلان و جسی بردفورد (بازیگر «پرچم‌های پدران ما») در این فیلم بازی کرده‌اند.

مغضوب گرفتار

■ سال‌های پایانی زندگی دایانا، شاهزاده خانمی که در سال‌های زندگی مغضوب دربار انگلستان بود ولی به علت محبوبیت نزد عامه مردم از طرف آن خاندان سلطنتی هم تحمل می‌شد، این روزها سوژه فیلمی قرار گرفته است که از قرار معلوم در اواسط زمستان به روی پرده خواهد آمد. این فیلم که در مرحله فیلمبرداری است و هفته گذشته تصاویری از آن به رسانه‌ها راه یافته، «گرفتار در پرواز» نام دارد و کارگردان آلمانی، الیور هیرشبیگل (که با تصویر کردن آخرین روزهای هیتلر در «سقوط» به شهرت رسید) آن را کارگردانی کرده است. نقش دایانا را نیامی واتس («۲۱ گرم»، «جی. ادگار») بازی می‌کند و نوین اندروز («بیمار انگلیسی» و سریال «گمشدگان») نقش یک جراح هندی را بازی می‌کند که وارد زندگی او شده است.

انفیه پس از خفگی

■ بعد از اقتباس دیوید فینچر از رمان «باشگاه مشتزنی» چاک پالانیوک در سال ۱۹۹۹، این رمان‌نویس آمریکایی بسیار مورد توجه قرار گرفت اما از آن زمان تاکنون فقط یک رمان دیگر او با عنوان «خفگی» در سال ۲۰۰۸ و به کارگردانی کلارک گرِگ امکان تولید پیدا کرد. ورایتی هفته پیش گزارش داد که رمان دیگری از او با عنوان «انفیه» برای تبدیل به فیلم سینمایی سرمایه‌گذار پیدا کرده است. ژان‌پی‌یرمگرو و دین اوتول از شرکت ایمورتال ترنسمدیا تهیه این فیلم را بر عهده گرفته‌اند و فابیان مارتورل، کارگردان فرانسوی که تاکنون چندین فیلم کوتاه و یک مستند ساخته است، این اثر اقتباسی را کارگردانی خواهد کرد.

روز مادر شلوغ

■ ۱۲ مادر و دختر و ارتباط عاطفی و احساسی آنها در جریان روزی که به نام روز مادر نامگذاری شده، موضوع فیلمی با عنوان «روز مادر» قرار گرفته است که پل داریج، فیلمساز اهل ویلز آن را کارگردانی می‌کند. به گزارش ورایتی، شارون استون، سوزان ساراندون، اندی مک داول و کریستینا ریچی به جمع بازیگران پرتعداد این فیلم پیوسته‌اند. با این حال داریج نویسنده و کارگردان هنوز باید بیش از ۹ مادر و ۹ دختر دیگر را برای حضور در اپیزودهای گوناگون این فیلم انتخاب کند. درام «روز مادر» در سال ۲۰۱۳ به روی پرده خواهد رفت.

دوزخیان روی زمین

■ هفته پیش اولین تصاویر مت دیمون در فیلم «سرای سعادت» با سری از ته تراشیده منتشر شد. «سرای سعادت» تازه‌ترین فیلم نیل بلوکمپ است، فیلمساز متولد ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی و سازنده «منطقه شماره ۹» که دو سال پیش در میان نامزدهای اسکار بهترین فیلم قرار داشت. فیلم «سرای سعادت» نیز مثل اثر قبلی بلوکمپ در ژانر علمی -تخیلی است و در آینده‌ای نه چندان دور می‌گذرد که جمعیت دنیا به دو بخش بسیار فقیر و بسیار غنی تقسیم شده است. افراد بسیار غنی در یک ایستگاه فضایی به نام «سرای سعادت» زندگی می‌کنند و انسان‌های روی زمین که زندگی دوزخی را تجربه می‌کنند، مت دیمون را به عنوان رهبر قیام خود علیه ساکنان ایستگاه فضایی انتخاب می‌کنند و البته دیمون باید با جودی فاستر در نقش یکی از سران حکومت مقابله کند. این فیلم در اردیبهشت ماه آینده به روی پرده خواهد رفت.